

مناسبات حاکمیت و خانواده؛
ضرورت بازنگری در رویکردها

www.ketab.ir



مرکز تحقیقات زن و خانواده

معاونت پژوهش

پاییز ۱۳۹۳

عنوان و نام پدیدآور: مناسبات حاکمیت و خانواده؛ ضرورت بازنگری در رویکردها/
مرکز تحقیقات زن و خانواده، معاونت پژوهش.

مشخصات نشر: قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۹۰ ص؛ ۲۱×۵/۱۴/۵ س.م.

شابک: ۳۰۰۰۰ ریال: 93966-6-5-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۸۷] - ۹۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: سیاست خانواده - ایران

موضوع: خانواده ها -- جنبه های جامعه شناختی

شناسه افزوده: مرکز تحقیقات زن و خانواده. معاونت پژوهشی

شناسه افزوده: مرکز تحقیقات زن و خانواده

رده بندی کنگره: HQ۶۶۶/۱۳۹۳۴/۷۷ م/

رده بندی دیویی: ۸۵۰۹۵۵/۳۰۶

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۵۲۶۵۴

مناسبات حاکمیت و خانواده؛ ضرورت بازنگری در رویکردها



کتابخانه ملی و اسناد ایران

◆ ناشر: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان

◆ ویراستار: محسن فصاحت

◆ صفحه‌آرا: حسین مظفری

◆ نوبت چاپ: اول پاییز ۹۳

◆ شمارگان: ۲۰۰۰

◆ قطع و تعداد صفحه: رقعی ۹۰

◆ چاپخانه: نگارش

◆ قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

قم: بلوار جمهوری اسلامی، میدان سپاه، خیابان مالک اشتر، شماره ۵۰

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۰۷۶۱۰۱۳ (۰۲۵) دورنگار: ۳۲۹۱۷۵۷۷ (۰۲۵)

تهران: بلوار کشاورز، خیابان نادری، کوچه حجت دوست، پلاک ۵۶

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۸۳۹۳۴ (۰۲۱)

پایگاه اینترنتی: www.wrc.ir؛ پست الکترونیکی: info@wrc.ir

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار و تبیین موضوع
۱۴	بخش نخست: توصیف وضعیت
۱۵	۱. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی
۲۳	۲. مصوبات مجلس شورای اسلامی
۲۳	۱-۲. برنامه‌های توسعه
۲۶	۲-۲. دیگر مصوبات مجلس
۳۰	۳. اقدامات دولت
۳۷	۴. ارزیابی کلی اقدامات انجام شده
۴۴	بخش دوم: دیدگاه‌ها
۴۴	۱. دخالت حداکثری
۴۶	۲. دخالت نکردن
۵۳	۳. دخالت مشروط و محدود
۷۳	بخش سوم: بایسته‌ها
۷۳	۱. به کارگیری روش‌های مشارکت‌جویانه
	۲. فرق گذاشتن میان «جهت‌گیری حاکم بر حوزه فرهنگ» و «جهت‌گیری حاکم بر حوزه جزا»
۷۴	۳. فرق گذاشتن میان «خانواده به عنوان نهاد» و «خانواده به عنوان گروه»
۷۸	۴. کاستن از موانع زیست‌دین‌دارانه
۷۹	۵. تحول در ساختار و وظایف نهادهای پژوهشی
۸۰	۶. تغییر رویکرد مسجد و روحانیت
۸۱	۷. توجه ویژه به بازنمایی خانواده در رسانه ملی
۸۲	۸. حمایت از نهادهای خانوادگی
۸۴	سخن پایانی
۸۷	کتابنامه

پیشگامان و تبیین موضوع

اهمیت خانواده در دیدگاه اندیشمندان مسلمان نیازی به اثبات ندارد؛ چنان که اهمیت تاریخی و فرهنگی خانواده در میان اجتماعات بشری نیز تردیدناپذیر است. در جامعه ایرانی، اهمیت خانواده به اندازه ای است که عاملی مهم در هویت سازی فرد و سرمایه ای اجتماعی برای وی سمیه می شود. این باور که خانواده، اجتماعی متفاوت از دیگر اجتماعات بشری است و توانایی بیشتری در بازتولید فرهنگ و سامان دهی مناسبات اخلاقی و اجتماعی دارد، باوری فراگیر است که تا کنون از آسیب نفی و انکارها، چه در میان کارشناسان ایرانی و چه در فرهنگ عمومی، دور مانده است. این باور که تأیید شده آموزه های اسلام نیز هست، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی رسمیت یافت. خانواده در نگاه خبرگان قانون اساسی به اندازه ای مهم بود که هم در مقدمه و هم در اصل دهم قانون اساسی به آن پرداختند:

«خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود، از وظایف حکومت اسلامی است.»

«اصل دهم: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه

قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداسات آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.^۱

اندک درنگی در متن قانون اساسی، ما را با کلیدواژه‌هایی مهم مانند «واحد بنیادین جامعه»، «کانون اصلی رشد و تعالی انسان»، «مسئولیت حکومت اسلامی در راه تحقق خانواده مطلوب» و «هم‌جهت بودن قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های حاکمیتی با ارزش‌های خانواده‌گرایانه» روبه‌رو می‌سازد.

با این همه، مطالعه تحولات خانواده ایرانی در سی سال گذشته، نشانگر تحولاتی عینی در آن است. روند کاهش ازدواج^۲، افزایش سن ازدواج به‌ویژه در دختران^۳، افزایش تک‌زیستی قطعی دختران^۴، تغییر تراز ازدواج با طلاق^۵، کاهش

۱. «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،

(در نشانی http://RC.Majlis.ir/fa/content/iran_constitution).

۲. در سال ۱۳۸۵، آمار ازدواج به ۷۰۹۲۱۱ مورد رسید که نسبت به سال ۱۳۸۴، کاهش داشت؛ این رشد منفی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ تکرار شد؛ در این باره، ر.ک: «فراوانی ازدواج»، وبگاه سازمان ثبت احوال کشور،

(در نشانی <http://www.SaateAhval.ir/Default.aspx?tabid=4769>).

«فکر می‌کنید آمار طلاق و ازدواج چقدر است؟»، پایگاه اطلاع‌رسانی شبکه خبر، ۱۳۹۲/۲/۱۶، (در نشانی <http://www.IRINN.ir/news/14642>/فکر می‌کنید-آمار-طلاق-و-ازدواج-چقدر-است؟).

۳. ر.ک: مهدی امانی، «نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵)»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۷، ص ۳۵؛ «سن ازدواج در زنان، بیش از مردان افزایش یافته‌است»، وبگاه مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، (در نشانی

http://www.NPSCMI.ac.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=90).

۴. ر.ک: ۷/۱۰ درصد مسکن در اختیار خانوارهای تک‌نفره»، پایگاه خبری-تحلیلی فرارو، ۱۳۹۳/۴/۱۱،

(در نشانی <http://Fararu.com/fa/news/196793>).

بعد خانوار^۲، رواج تک‌زیستی^۳، کاهش جاذبه فرهنگی ازدواج و افزایش نارضایتی زناشویی، رواج خشونت‌های خانگی، تحول در سبک زندگی اخلاقی به‌ویژه در اخلاق جنسی، کاهش اقتدار پدر و مادر و گسترش پدیده شکاف نسلی، افزایش خانوارهای زن‌سرپرست^۴، افزایش فرار نوجوانان از خانه^۵، کاهش ارتباطات خویشاوندی، و مواردی دیگر از این دست، همگی نشان از تغییراتی ژرف در مناسبات خانوادگی و تحول خانواده در تولید معرفت و اخلاق و نیز در جامعه‌پذیری دارند. این تغییرات و تحولات به اندازه‌ای ژرف بوده که برخی

فاطمه قاسمی پور: «در حال گذار از تجرد قطعی هستیم» (گفت‌وگو با دکتر سعید معیدفر)، حوراء، ش ۳۶.

«آمار ثبت احوال از ۱۱ بهمن ۱۳۹۳، جوان مجرد و ۹۸۰ هزار دختر بالای ۳۰ سال»، سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۱۳۹۳/۳/۱۲.

(در نشانی <http://www.Amar.org.ir/fa/news/339021>).

۱. ر.ک: «سری‌های زمانی جمعیت»، درگاه ملی مرکز آمار ایران، (در نشانی <http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=96&agentType=ViewType&Prop=ertyTypeID=4>).

«فراوانی ازدواج و طلاق»، وبگاه سازمان ثبت احوال کشور، (در نشانی <http://www.SabteAhval.ir/Default.aspx?tabid=4769> و <http://www.SabteAhval.ir/Default.aspx?tabid=4773>).

۲. ر.ک: «سری‌های زمانی جمعیت»، درگاه ملی مرکز آمار ایران، (در نشانی <http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=96&agentType=ViewType&Prop=ertyTypeID=4>).

۳. ر.ک: «زندگی مجردی؛ علت‌ها و تهدیدها»، پایگاه تحلیلی-خبری مهرخانه، ۱۳۹۲/۱/۱۷، (در نشانی <http://Mehrkhane.com/fa/news/6083>).

۴. ر.ک: «چند خانواده ایرانی تک‌والدی است؟»، روزنامه شرق، ش ۲۰۲۷، ۱۳۹۳/۳/۸، ص ۷، (در نشانی http://www.SharghDaily.ir/Default.aspx?NPN_Id=413&pageno=7).

۵. ر.ک: «دخترانی که فرار می‌کنند»، پایگاه تحلیلی-خبری مهرخانه، ۱۳۹۲/۸/۱۱، (در نشانی <http://Mehrkhane.com/fa/news/8864>).

آسیب شناسان اجتماعی و جامعه شناسان خانواده برای نشان دادن آن، گزاره‌ای چون «تغییرات بنیادین» را برگزیده‌اند.^۱

در سالیان اخیر، پژوهش‌های چندی برای تحلیل تحولات خانواده انجام شده که هر یک، از الگوی نظری ویژه‌ای برای تبیین تحولات بهره گرفته‌است. بسیاری از پژوهشگران بر پایه دیدگاه «نوسازی و جهانی شدن» به بازنمایی تحولات پرداخته‌اند؛ بر این اساس، خانواده در سرتاسر جهان از تحولات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی نوسازی و جهانی شدن مانند شهرنشینی، گسترش فناوری، تحرک جغرافیایی، و افزایش دسترسی به ابزارهای ارتباطی جدید، اثر پذیرفته و با تغییر در مناسبات و کارکردها، در پی سازگاری خویش با شرایط جدید است. این الگوی تحلیلی، تفاوت خانواده ایرانی با خانواده در دیگر کشورها را بر پایه اندازه و چگونگی تحول به سوی مدرن شدن توضیح می‌دهد. از آنجا که این دیدگاه، نگاهی منفی به روند مدرن شدن ندارد، پذیرش دگرگونی‌ها و هماهنگ شدن خانواده با تحولات را پیشنهاد می‌کند.^۲

الگوی نظری دوم، «رویکرد سیاست‌گذاری و مهندسی فرهنگی» خوانده می‌شود.^۳ در این دیدگاه، الگوهای توسعه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی غربی، رسانه‌های جهانی و دخالت‌های نظام سلطه، زمینه‌های توسعه فردگرایی و سستی کارکردهای خانواده را فراهم می‌آورند و سیاست‌گذاران و قانونگذاران نیز به جای تمرکز بر تحکیم نهاد خانواده و توجه به عوامل اصلی پدیده، الگوهای غربی توسعه رفاه، توان خویش را برای رویارویی با معلول‌هایی مانند همسرآزاری و فرار

۱. مانند دکتر تقی آزاد ارمکی «در کتاب جامعه‌شناسی خانواده ایرانی».

۲. ر.ک: تقی آزاد ارمکی و مهناز زند و طاهره خزایی، «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۶، ص ۲۹-۳؛ حسین محمودیان، «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، ص ۲۷-۵۳.

۳. ر.ک: محمدامین قانع‌راد و فاطمه عزلی مقدم، «بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج»، مسائل اجتماعی ایران، ش ۱، ص ۱۶۱-۱۹۳.

کودکان به کار می گیرند. این دیدگاه، تقویت نقش حاکمیت در امر تحکیم خانواده را پیشنهاد می کند.^۱

دیدگاه سوم در تبیین تحولات خانواده، بر فقر و نابرابری اقتصادی تأکید می کند و بیکاری، فقر، زندگی در مکان های جرم خیز، اختلاف طبقاتی زیاد، و نداشتن امید به آینده را از عوامل اصلی آسیب های خانوادگی می شمارد و فقرزدایی، توسعه اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت و سیاست های رفاهی و تأمین اجتماعی را پیشنهاد می دهد.^۲

هر یک از دیدگاه های پیش گفته می تواند بخشی از تحولات خانواده را توضیح دهد؛ اما تبیین تک عاملی تحولات خانواده، روشی درست و نتیجه بخش نیست. در سالیان اخیر، دیدگاهی دیگر نیز مطرح شده است که در میان پژوهش های منتشره کم حجم تر می نماید؛ اما طرف دارانی دارد^۳ و به سادگی نمی توان آن را نادیده گرفت. طرف داران این دیدگاه - که خود، چند گروه می شوند- دخالت های مالی و بهره بردهای دولت سالارانه را از عوامل تحولات شتابان و کژکارکردی های خانواده می دانند؛ حتی در آنجا که این دخالت ها با نیت های خیر و مصلحانه انجام شده باشد!

برای اهمیت توجه به این دیدگاه می توان دست کم در دلیل را برشمرد: نخست اینکه برداشت های سکولار^۴ و فردگرایانه در نقد دخالت های دولت می تواند این تأثیر

۱. ر.ک: شهلا باقری، «خانواده و سیاست گذاری اجتماعی در عرصه ملی و فراملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ش ۲۵، ص ۱۵۲-۱۷۹؛ لیلادادات زعفرانچی، «زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ش ۳۳، ص ۹۸-۱۳۹.

۲. ر.ک: محمد خضری، «تأثیر سیاست های اقتصادی دولت پس از انقلاب بر خانواده»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ش ۱۳؛ سعید معیدفر و نفیسه حمیدی، «زنان سرپرست خانوار: نکته ها و آسیب های اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۲، ص ۱۳۱-۱۵۸.

۳. ر.ک: محمدامین قانع راد و فاطمه عزلی مقدم، «بررسی انتقادی تشخیص ها و سیاست گذاری ها در مسائل خانواده و ازدواج»، مسائل اجتماعی ایران، ش ۱، ص ۱۶۱-۱۹۳؛ نعمت الله فاضلی، «سیاست فرهنگی در ایران امروز: چالش های فکری و راهبردهای آن»، وبگاه فرهنگ شناسی،

(در نشانی <http://www.FarhangShenasi.ir/persian/node/972>).

را داشته باشد که طرفداران انقلاب و سیاست گذاران کشور به برداشت های درست و دفاع پذیر از این دیدگاه نیندیشند؛ و دوم آنکه در کشور ما، واقعیت دولت در پس مشروعیت نظام اسلامی و ولایت فقیه پنهان مانده و رنگ قدسی به خود گرفته و فراتر از نقد انگاشته شده است. پیروزی انقلاب اسلامی و افزایش اعتماد به دولت ها، به افزایش خواسته های عمومی مردم انجامید؛ به گونه ای که انتظار دارند دولت مسئولیت های بیشتری را بپذیرد. تصویر والا از دولت سبب می شود که دوستداران انقلاب، کاستی های کنونی را به بی توجهی مسئولان و مدیران دولتی درباره گسترش ارزش های اسلامی و انقلابی نسبت دهند و همواره حضور جدی تر و دخالت های بیشتر دولت را بخواهند؛ برای آنان، پذیرش این واقعیت که دخالت های دولتی می تواند از عوامل آسیب زا باشد، پس گران می آید.

دخالت های و افزون دولت در امور خانواده که با درخواست های فزاینده گروهی از تمام سالان^۱ کارشناسان بیشتر شده است، این نتیجه را در پی داشته که دولت ها در ایران، هر روز گران تر^۲ و ناکارآمدتر می شوند و مسئولیت گریزی و درخواست و پرسشگری در خانه ها و افراد و گروه های ایرانی بیشتر دیده می شود؛ تا آنجا که خانواده ها هر روز در کناران امار خویش، ناتوانی بیشتری را احساس می کنند. بر خلاف انتظار ما، بارهای سنگینی که باید بر خواسته های عمومی و ویژگی مردم مدارانه انقلاب بر دوش دولت گذاشته ایم، به کاهش اعتماد اجتماعی و فزونی شکاف میان مردم و حاکمیت می انجامد. شگفت آور آنکه در کشوری که هم بدنه عمومی جامعه و هم نخبگان و مصلحان اجتماعی و هم قانون اساسی و آموزه های دینی بر اهمیت و بی مانند بودن خانواده تأکید می کنند، خانواده به عنوان مجموعه ای مسئول و آگاه و پویا که باید درباره شناسایی مشکلات خویش و حل آنها احساس مسئولیت کند، به رسمیت شناخته نمی شود.

۱. برخی ها گزاره «دولت دارای اضافه بار» را برای توصیف نظریه مجریان در دولت های مدرن (قرن بیستم) به کار می برند. دولت های مدرن با درخواست هایی بیش از آنچه می توانند برآورده کنند، روبه رو هستند؛ از این رو، مانند ماشین هایی شده اند که در زیر بار سنگین می شکنند یا کارایی خود را از دست می دهند. در این باره، رک: کیت تامپسون، نقل قول های کلیدی در جامعه شناسی.

در این دیدگاه، گذشته از مباحث نظری، با نگاهی عمل‌گرایانه نیز دربارهٔ سنگین‌باری دولت در برابر خانواده بحث می‌شود. دولت‌های ایرانی دارای دو ویژگی «انقلابی بودن» و «تکیه‌داشتن به درآمدهای نفتی» هستند. ویژگی نخست، آنان را و می‌دارد که با در پیش گرفتن سیاست‌های استقلال‌خواهانه، روند حاکم بر تحولات جهانی را زیر سؤال ببرند و در این راه فرخنده اما پُرگیر و دار، هزینه‌هایی پردازند و موانعی پیش روی خود ببینند؛ ویژگی دوم نیز، دولت‌ها را در قرض و بسط‌های سیاسی و اقتصادی جهانی و منطقه‌ای، با بحران‌های مهمی روبه‌رو می‌سازد.

تکیه کردن دولت انقلابی به درآمدهای نفتی، پاشنه آشیلی است که واقعیت خویش را در زمان تحریم و رکود آشکار می‌کند و در این موقعیت‌ها، تعهدات روزافزون دولت به خانواده در چهارچوب سیاست‌های رفاهی، می‌تواند دولت را زمین گیر کند. از این روست که می‌توان در سیاست‌هایی مانند پرداخت یارانه به همهٔ خانوارهای ایرانی، سر از نظر گران‌باری دولت و هم از نظر تأثیر منفی بر خانواده‌های غیر نیازمند، ازنگری کرد. همچنین، اگر ناکارآمدی نهادهای دولتی در ایران را - که البته می‌تواند معنوی تکیه به نفت باشد - به عنوان سومین ویژگی در نظر بگیریم، مشکلات بیشتر خود را نشان می‌دهد.

در این نوشتار، در پی بحث از مناسبات دولت و خانواده و پاسخ به چنین پرسش‌هایی هستیم: چه توصیف و تحلیلی از مناسبات دولت و خانواده ایرانی می‌توان ارائه داد؟ مناسبات کنونی دولت و خانواده ایرانی چه پامدهایی دارد؟ ضرورت اصلاح مناسبات کنونی چیست؟ اصلاح مناسبات دولت و خانواده نیازمند چه تلاش‌هایی است؟

پیشاپیش بر این نکته تأکید می‌کنیم که «دولت» در مباحث ما، نه به معنای قوهٔ مجریه، بلکه به معنای امروزی آن در علوم سیاسی و اجتماعی^۱، یعنی مجموعهٔ نهادهای حاکمیتی است که قوای سه‌گانه، نهادهای سیاست‌گذار و نیروهای نظامی و انتظامی و دیگر نهادهای حاکمیتی را در بر می‌گیرد؛ البته به دلیلی که در ادامه روشن خواهد شد، منصب «ولایت فقیه» را در دامنهٔ عنوان «دولت» به مفهوم مدرن آن، جای نداده‌ایم.